

تحلیل و ارزیابی سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه براساس اسناد فرادستی آموزشی عالی^۱

سیدسعید منجم‌زاده^{*}، ابوالقاسم نادری^{**}، غلامرضا گرای‌نژاد^{***}، ناهید پوررستمی^{****}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۳۰

با مطرح شدن اقتصاد مبتنی بر دانش و توجه به نقش اساسی آموزش عالی در این رویکرد، قوانین و سیاست‌های فرادستی بسیاری در حوزه آموزش عالی در بیش از یک دهه گذشته تدوین شده است. با این حال در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها با چالش‌های مالی متعددی مواجه شده‌اند که غلبه بر آنها و نیز بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌سازی متناسب در این زمینه، بیش از پیش مستلزم تحلیل یکپارچه قوانین و اسناد فرادستی است. بر این اساس در مقاله حاضر ابتدا بر پایه مطالعه اسنادی و نظرهای خبرگان با رویکردی تحلیلی به معرفی مفهوم «توسعه مالی دانشگاه» پرداخته شده و به کمک چارچوب برآمده از آن و با استفاده از روش تحلیل محتوا، چهارده سند فرادستی آموزش عالی بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌های فرادستی آموزش عالی از منظر توسعه مالی دانشگاه‌ها با عدم توازن روبه‌رو بوده و جامعیت کافی ندارد. در کنار توجه اسناد فرادستی به مقوله «تأمین منابع مالی»، سایر مؤلفه‌های توسعه مالی شامل «کارایی و مدیریت هزینه»، «تخصیص منابع»، «ترتیبات و ساختارهای نهادی» و «عوامل محیطی» نیز در سیاستگذاری‌های جدید و بازنگری اسناد باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: توسعه مالی دانشگاه؛ اسناد فرادستی آموزش عالی؛ تحلیل محتوا؛ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی دانشگاه تهران است.

* دانش‌آموخته اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران؛

Email: monajemzadeh@gmail.com

** استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: anadery@ut.ac.ir

*** استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛

Email: gh.geraeinejad@iauctb.ac.ir

Email: prostami@ut.ac.ir

**** استادیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران؛

مقدمه

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سال‌های اخیر با مسائل متعددی در رابطه با امور مالی مواجه شده‌اند و کسری اعتبارات، تأثیر عمده‌ای بر روند توسعه آموزش عالی داشته است (نوه‌ابراهیم، ۱۳۸۱). در کشور ما نیز هم‌زمان با افزایش هزینه‌های آموزش عالی و قیمت تمام شده برون‌دادهای آن، اعتبارات محدود بودجه بین مؤسسات بیشتری تقسیم و توزیع شده و به‌این ترتیب سهم هریک از مؤسسات از اعتبارات عمومی کاهش یافته است (داوری، خدادادی و زراعتکیش، ۱۳۹۵). کمبود منابع مالی باعث شده است تا امکانات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و رفاه دانشجویان، هیئت علمی و کارکنان دانشگاه‌ها به شدت افت کند (انتظاری و قارون، ۱۳۹۴). نوسان بودجه‌های آموزش عالی متأثر از تغییر در اولویت‌های دولت‌ها، نوسان درآمدهای نفتی، ناکارآمدی تخصیص اعتبارات دولتی و روند کاهشی مخارج واقعی سرانه از دیگر چالش‌های دانشگاه‌ها در حوزه تأمین منابع مالی به‌شمار می‌رود (نادری، ۱۳۸۰). با وجود اهمیت تجاری‌سازی دانش در افزایش سهم درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها (هاشم‌نیا و دیگران، ۱۳۸۸)، موانع بسیاری در مؤسسات آموزش عالی برای بهره‌برداری صحیح از دارایی‌های فکری و تجاری‌سازی دانش وجود دارد که رفع آنها و توانمندسازی دانشگاه‌ها در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد (پورعزت، قلی‌پور و ندیرخانلو، ۱۳۸۹).

اما مجموعه مسائل مالی دانشگاه‌ها فقط محدود به چالش‌های متعدد آنها در حوزه تأمین منابع مالی نمی‌شود. از دیگر مسائل مالی دانشگاه‌ها، بحران کارایی درونی و مدیریت هزینه‌هاست. با افزایش هزینه‌های آموزش عالی و تغییر نقش دولت‌ها در تأمین آن، انتظارات جوامع در پاسخگویی دانشگاه‌ها و عملکردشان افزایش یافته است (دباغ و صالحی، ۱۳۹۳) و مؤید این ضرورت است که مؤسسات آموزش عالی باید به صورت کارآمدتری اداره شوند (عمادزاده، ۱۳۸۸).

ازسوی دیگر نهادها، سازوکارها و ساختارهایی باید در دانشگاه برای توسعه و پشتیبانی از سیاست‌ها و مؤلفه‌های مالی در دانشگاه طراحی و پیاده‌سازی شود که از آن جمله می‌توان به ساختار سازمانی متناسب، فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا، مقررات

و رویه‌های مورد نیاز و توسعه سرمایه انسانی به‌ویژه در بخش‌های مرتبط با امور مالی اشاره کرد، به‌طوری‌که بدون توجه کافی به این مجموعه از سازوکارها و نهادها، امکان دستیابی به اهداف توسعه مالی در سه حوزه اصلی تأمین، تخصیص و هزینه‌کرد منابع میسر نباشد.

در سال‌های اخیر قوانین و اسناد بالادستی مختلفی در حوزه آموزش عالی تدوین شده که مطالعه و تحلیل هم‌زمان آنها، می‌تواند به ارزیابی و تبیین هرچه بهتر سیاست‌ها و الگوهای مورد نظر قانونگذاران کمک کرده و نقاط ضعف و خلأهای احتمالی آنها را نیز با هدف بهبود سیاست‌گذاری آتی، نشان دهد.

هدف از انجام این پژوهش، تبیین مفهوم و ارائه چارچوبی برای تحلیل اسناد فرادستی توسعه مالی دانشگاه‌ها و بررسی وضعیت و تحلیل سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه‌ها از منظر اسناد فرادستی است. بنابراین در این مقاله به بررسی و تحلیل قوانین و اسناد بالادستی آموزش عالی که بر ابعاد مختلف توسعه مالی دانشگاه مؤثرند پرداخته و گزاره‌های سیاستی ذکر شده در اسناد فرادستی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. پیشینه پژوهش

امروزه در ادبیات مدیریت و اقتصاد، بر نقش دانش به‌عنوان منبع حیاتی برای حفظ رقابت‌پذیری و سودآوری تأکید بسیاری شده است (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۰). دانش در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی نیز بخش کلیدی نظام اقتصادی و به‌عنوان اصلی‌ترین نوع سرمایه تلقی می‌شود و بر این اساس، نهادهای تولید و اشاعه‌دهنده دانش مانند دانشگاه، نقش کلیدی در اقتصاد دانش‌محور ایفا می‌کنند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳).

بنابراین در سال‌های اخیر قوانین و سیاست‌های متعددی در حوزه آموزش عالی تدوین شده است که ابعاد مختلف توسعه از جمله توسعه مالی دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. از این‌رو در این قسمت ابتدا به پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه اسناد

فراادستی آموزش عالی و سپس پیشینه پژوهشی در حوزه توسعه مالی دانشگاه پرداخته خواهد شد.

۱-۱. بررسی اسناد فراادستی آموزش عالی

قوانین منشأ اثر در میدان اجرا و عمل هستند و قانون خوب می‌تواند راه را بر قانون‌گریزی ببندد و بازبینی ضعف‌ها و کاستی‌ها در حوزه تقنین، کشور را به سمت صلاح سوق می‌دهد (سینی‌ساز شهشهانی، ۱۳۹۶). بر همین اساس محتوای قوانین و اسناد بالادستی در حوزه توسعه مالی دانشگاه‌ها نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

همچنان که بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه برای رشد و توسعه، به تدوین مقررات و برنامه‌ها مبادرت می‌ورزند (توفیق، ۱۳۸۶) در ایران نیز در سال‌های گذشته شاهد تدوین قوانین مختلف نظیر قوانین برنامه‌های توسعه، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام و همچنین قوانین مرتبط بوده‌ایم، اما تاکنون مجموعه قوانین و اسناد در حوزه آموزش عالی، از منظر مالی و به‌ویژه با تأکید بر توسعه مالی دانشگاه تحلیل نشده است، هرچند در برخی مطالعات از زوایای دیگر به بررسی برخی قوانین بالادستی آموزش عالی پرداخته شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

سیاری (۱۳۷۴) تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه دوم توسعه را آسیب‌شناسی کرده و تسلیمی (۱۳۸۳) نیز روند تدوین و محتوای بخش آموزش عالی در برنامه‌های توسعه اول تا سوم را بررسی و تحلیل کرده است. ارباب شیرانی و خاکباز (۱۳۸۹) وضعیت فناوری در برنامه‌های پنج‌ساله سوم و چهارم توسعه را مورد بحث قرار داده و با بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه و جایگاه فناوری در آن، پیشنهادهایی در این زمینه برای افزایش اثربخشی برنامه‌های توسعه‌ای بیان کرده‌اند. نوروززاده، فتحی و اجارگاه و کیدوری (۱۳۸۸) نیز به تحلیل محتوای اسناد فراادستی و معین آموزش عالی، تحقیقات و فناوری برنامه توسعه پنجم پرداخته و سیاست‌های آن را در حوزه‌های فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توانمندسازی منابع انسانی و توسعه

زیرساخت‌ها، همکاری‌های فرابخشی و بین‌المللی، پاسخگویی، تشویق و مشارکت طبقه‌بندی و بررسی کرده‌اند.

ذاکرحالهی و ذاکرحالهی (۱۳۸۸) ساختار کلان مفهومی نقشه جامع علمی را بررسی و نشان داده‌اند که این نقشه بر سیاست فشار علم در مقابل کشش تقاضا و ارزش‌های فرهنگی، دینی و ایدئولوژیک در مقابل ارزش‌های علمی، فناوریانه و حرفه‌ای تأکید دارد. آنها همچنین مؤلفه‌هایی برای ارزیابی نقشه جامع علمی پیشنهاد داده‌اند. نوروززاده، شفیعی‌زاده و روحانی (۱۳۹۲) با روش تحلیل محتوا و بررسی اسنادی، میزان تأکید بر سیاست‌های اسناد فرادستی را در بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه بررسی کرده و نشان می‌دهند سیاست‌های توصیه شده اسناد فرادستی مورد توجه بوده است. فتح‌الهی و دیگران (۱۳۹۳) با هدف تعیین میزان توجه به مقوله‌های اصلی و فرعی مرتبط با الگوهای سه‌گانه حکمرانی آموزش عالی، به تحلیل محتوای اسناد مرتبط با برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پرداخته و نشان می‌دهند هریک از اسناد با کدام یک از الگوها تطابق دارد.

مهدی (۱۳۹۳) با روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه و موقعیت آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور را تحلیل و ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش‌بینی شده آن را شناسایی کرده است. فتح‌الهی و دیگران (۱۳۹۴) با تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، به بررسی مقایسه‌ای تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی پرداخته‌اند. زارع بنادکوکلی و دیگران (۱۳۹۵) با بررسی اسناد فرادستی آموزش عالی کشور و تحلیل محتوای آنها، معیارهایی برای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها پیشنهاد داده‌اند. کاظمی و هاشمی (۱۳۹۵) نیز به تحلیل محتوای اسناد فرادستی آموزش عالی براساس میزان توجه به مقوله خلاقیت و نوآوری پرداخته‌اند و به نامتوازن و یکسان نبودن این مقاله تأکید کرده‌اند.

در جدول ۱ خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده بر مبنای تحلیل اسناد فرادستی

آموزش عالی به ترتیب سال انتشار ارائه شده است.

جدول ۱. پژوهش‌های انجام شده بر مبنای تحلیل اسناد فرادستی آموزش عالی

ردیف	منبع	موضوع محوری	اسناد بالادستی مورد بررسی
۱	سیاری، ۱۳۷۴	تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی	برنامه دوم توسعه
۲	تسلیمی، ۱۳۸۳	بررسی روند تدوین قوانین آموزش عالی	برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه
۳	نوروززاده، فتحی و اجارگاه و کیدوری، ۱۳۸۸	استنتاج سیاست‌های آموزش عالی، تحقیقات و فناوری	برنامه پنجم توسعه
۴	ذاکرحالهی و ذاکرحالهی، ۱۳۸۸	تحلیل محتوا و پیشنهاد الگوی ارزیابی	پیش نویس نقشه جامع علمی
۵	ارباب شیرانی و خاکباز، ۱۳۸۹	وضعیت فناوری در برنامه‌های توسعه	برنامه‌های سوم و چهارم توسعه
۶	نوروززاده، شفیق‌زاده و روحانی، ۱۳۹۲	بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه	اسناد فرادستی آموزش عالی
۷	فتح‌الهی و دیگران، ۱۳۹۳	الگوهای سه‌گانه حکمرانی آموزش عالی	قوانین برنامه‌های پنج‌گانه توسعه کشور و اسناد پشتیبان آنها
۸	مهدی، ۱۳۹۳	جایگاه و موقعیت آموزش عالی بین‌المللی	نقشه جامع علمی کشور
۹	فتح‌الهی و دیگران، ۱۳۹۴	تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی	برنامه‌های پنج‌ساله توسعه
۱۰	زارع بنادکوکلی و دیگران، ۱۳۹۵	معیارهایی برای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها	اسناد فرادستی آموزش عالی
۱۱	کاظمی و هاشمی، ۱۳۹۵	خلاقیت و نوآوری	اسناد فرادستی آموزش عالی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون پژوهشی بر مبنای تحلیل اسناد بالادستی کشور مرتبط با آموزش عالی با محوریت مباحث مالی و به‌ویژه توسعه مالی انجام نشده که این موضوع بیانگر ضرورت مطالعه اسناد بالادستی از منظر امور مالی آموزش عالی به‌طور عام و توسعه مالی دانشگاه‌ها به‌طور خاص است.

۲-۱. پیشینه پژوهشی در حوزه توسعه مالی دانشگاه

در سال‌های اخیر و با توجه به اهمیت نقش درون‌زای واحدهای دانشگاهی در کاهش وابستگی به منابع عمومی و متنوع‌سازی منابع مالی، افزایش کارایی و مدیریت هزینه‌ها،

تخصیص بهینه منابع و سایر سیاست‌ها و سازوکارهایی که می‌تواند در راستای توسعه مالی در دانشگاه دنبال شود، تحقیقات متعددی در رابطه با نقش واحدهای دانشگاهی در این زمینه و چگونگی دستیابی به اهداف مالی مورد انتظار انجام شده است.

در ابتدا به پیشینه پژوهش در حوزه تأمین منابع مالی اشاره می‌شود. از آنجاکه بودجه‌های دولتی آموزش عالی نسبت به سایر بخش‌ها رشد چندانی نداشته است (Tilak, 1991) و امکان سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در آموزش عالی میسر نیست (عمادزاده، ۱۳۸۸)، تحقیقات بسیاری برای تبیین چگونگی افزایش درآمدهای دانشگاه‌ها انجام شده است. متنوع‌سازی منابع مالی از جمله رویکردهایی است که به یک روند جهانی تبدیل شده و مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران دانشگاهی قرار گرفته است (Kretovics and Michael, 2005). به عنوان مثال انتظاری و قارون (۱۳۹۴) نیز با تأکید بر تنوع بخشی به منابع مالی دانشگاه‌ها، تشویق تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی و هدایت دانشگاه‌ها به سوی کارآفرینی مبتنی بر دانش و همچنین تشویق افراد خیر و بنیادهای عمومی و خیریه‌ها برای کمک به دانشگاه‌ها و دانشجویان را از راهکارهای اصلی در این زمینه معرفی کرده‌اند. استرمن و پراوت نیز راهبرد تنوع بخشی را به عنوان عنصری کلیدی برای مقابله با چالش‌های مالی در دانشگاه عنوان کرده‌اند (Estermann and Pruvot, 2011). برخی تحقیقات نیز به سازوکارهای بین‌المللی سازی دانشگاه‌ها به ویژه جذب دانشجویان خارجی و کسب درآمد از پروژه‌های بین‌المللی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه ذاکر صالحی و صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۱) به بررسی سیاست‌های گوناگون در کشورهای مختلف برای جذب دانشجویان خارجی پرداخته و بر آثار مثبت مالی آن برای دانشگاه‌ها تأکید کرده‌اند. اسمارت نیز با اشاره به اهمیت منابع مالی بین‌المللی، اعمال سیاست‌های مناسب را در این راستا از سوی دانشگاه‌ها ضروری می‌داند (Esmart, 2003).

بازاریابی و تعامل با ذی‌نفعان، از دیگر رویکردهایی است که در راستای افزایش درآمدها توجه محققان را به خود جلب کرده است. اگرچه دانشگاه‌ها در میان شبکه‌ای از فعالان قرار دارند، اما اغلب فاقد یک راهبرد ساختارمند برای مدیریت ذی‌نفعان و مشارکت بلندمدت راهبردی و ساختاریافته^۱ با

ذی نفعان، سازمان‌ها و صنایع هستند (Estermann and Pruvot, 2011) محققان زیادی در مطالعات خود به بازاریابی، تعامل و اعتمادسازی با ذی نفعان در دانشگاه‌ها به ویژه از منظر مالی توجه داشته‌اند. برای نمونه آراسته و رضایی معتقدند با افزایش رقابت بین دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو، به کارگیری اصول بازاریابی برای کسب موفقیت و دستیابی به اهداف سازمانی ضرورت پیدا کرده است (آراسته و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۳). در ژنر و هائلز در بررسی خود پیرامون ابعاد مختلف افزایش درآمد در دانشگاه‌ها، بر انجام فرایندهای بازاریابی توسط دانشگاه تأکید دارند که می‌تواند در برقراری ارتباط با ذی نفعان مختلف تأثیر زیادی بگذارد و جذب منابع بیشتر را به دنبال داشته باشد (Drezner and Huehls, 2014).

بخش دیگری از تحقیقات در حوزه اقتصاد دانشگاه، به افزایش کارایی و مدیریت هزینه می‌پردازد؛ چراکه مطالعات هزینه، نقش و جایگاه ویژه‌ای در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی آموزشی دارد (نادری، ۱۳۸۳). ضرورت شناسایی منابع هزینه در واحدهای آموزش عالی، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از هزینه‌های اتلاف، برون‌سپاری و نظارت بر فرایندهای اجرای بودجه، از جمله محورهایی است که در پژوهش‌ها مدنظر قرار گرفته است. به عنوان مثال سهیلی اصفهانی و علیمردادی (۱۳۹۴) با اشاره به جایگاه مهم مدیریت هزینه‌ها در دانشگاه‌ها؛ سامان‌دهی نیروی انسانی، مکانیزه کردن سیستم‌ها، نظارت و کنترل و کوچک‌سازی دانشگاه را از جمله عوامل کاهش هزینه‌ها در دانشگاه برشمرده‌اند. بهرامی و ملکی (۱۳۹۴) و اساف^۱ و دیگران (۲۰۱۱) نیز به شناسایی معیارهای مؤثر در برون‌سپاری خدمات آموزشی و خدمات نگهداری (مانند تجهیزات و تأسیسات) در دانشگاه پرداخته و نقش آن را در مدیریت هزینه مورد تأکید قرار داده‌اند.

تخصیص منابع مالی^۲ درون واحدهای دانشگاهی، یکی دیگر از محورهای پژوهشی در حوزه اقتصاد دانشگاه و توسعه مالی دانشگاه است. این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است به گونه‌ای که کارایی و اثربخشی منابع در آموزش، به طور جدی به سازوکارها و نحوه

1. Assaf

۲. منظور از تخصیص منابع مالی، فرایند تقسیم و توزیع منابع محدود و در دسترس به کاربری‌ها و برنامه‌های رقیب (Competing) و بديل (Alternative) با هدف پاسخگویی به اهداف و نیازهای نامحدود است.

تخصیص منابع مالی منوط است (نادری، ۱۳۹۰: ۱۵۴) و الگوهای تخصیص بودجه در درون مؤسسات آموزشی، رفتار سازمانی این مؤسسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محبوب عشرت‌آبادی، ۱۳۹۴). سازوکارهای تخصیص منابع در درون واحدهای دانشگاهی در تحقیقات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه برخی محققان از جمله استرمن و پراوت (۲۰۱۱) و تسوما^۱ و موگامبی^۲ (۲۰۱۴) به پژوهش درباره تخصیص منابع مبتنی بر فعالیت‌ها و راهبردهای دانشگاه پرداخته‌اند. درعین حال بسیاری از پژوهشگران معتقدند امروزه سازوکارهای تخصیص منابع مالی مبتنی بر عملکرد از اهمیت بیشتری برخوردار شده است (Fox, 1989). در تخصیص منابع عملکردمحور، علاوه بر افزایش استقلال مدیران، مسئولیت آنان نیز بیشتر می‌شود و انعطاف‌پذیری و شفافیت بهره‌گیری از بودجه‌های دولتی افزایش یافته و نگرانی مدیران برای درآمدزایی بیشتر می‌شود (محبوب عشرت‌آبادی، ۱۳۹۴). به‌کارگیری این شیوه می‌تواند به بهبود عملکرد مؤسسات آموزشی منجر شود و تأثیر چشمگیری بر عملکرد آموزشی آنها داشته باشد (عزتی و نادری، ۱۳۸۸).

مطالعات مربوط به ترتیبات^۳ و ساختارهای نهادی^۴ بخش دیگری از پژوهش‌های مرتبط با توسعه مالی دانشگاه را تشکیل می‌دهند که نقش بسیار مهمی در توسعه مالی دانشگاه‌ها و واحدهای آموزش عالی دارند^۵ و بر سایر مؤلفه‌های گفته شده از جمله تأمین، هزینه‌کرد و تخصیص منابع مستقیماً تأثیرگذار هستند، البته در تحقیقات گذشته، ترتیبات و ساختارهای نهادی به صورت مؤلفه‌ای مستقل و مجزا مطرح نشده‌اند، اما زیرمؤلفه‌های آنها نظیر توسعه سرمایه انسانی، فرهنگ حامی توسعه مالی، مدیریت و راهبری و ساختار سازمانی به صورت پراکنده در مطالعات گوناگون ذکر شده و تأثیرشان بر سایر مؤلفه‌های توسعه مالی دانشگاه مورد تأکید قرار گرفته است.

1. Tsuma

2. Mugambi

3. Institutional Arrangements

4. Institutional Structure

۵. ترتیبات نهادی قواعد رفتاری اند که در محدوده مشخصی، رفتار را اداره کرده و به آن نظم می‌بخشند و ساختار نهادی، کلیت ترتیبات نهادی در یک جامعه است که سازمان‌ها، قوانین، رسوم و ایدئولوژی را دربرمی‌گیرد (متوسلی، ۱۳۹۲).

توسعه سرمایه انسانی در مؤسسات آموزش عالی به عنوان یکی از سازوکارهای کلیدی برای توسعه مالی دانشگاه‌ها در تحقیقات متعدد مورد تأکید قرار گرفته و بر مفاهیمی نظیر توسعه حرفه‌ای، ارائه آموزش‌های مناسب، کسب دانش و تخصص و مهارت‌های لازم، به‌کارگیری افراد باتجربه و ... برای کارکنان (به‌ویژه بخش‌های مالی) و اعضای هیئت علمی تأکید شده است. بری^۱ (۲۰۱۰) بر آموزش محققان و اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها تأکید کرده است. نادری (۱۳۸۸) کسب دانش و تخصص مناسب و تلاش افراد در دانشگاه برای روزآمد کردن دانش و مهارت‌های خود را ضروری می‌داند. لینداهل^۲ (۲۰۱۰) سه دسته ویژگی‌های شخصی، مهارتی و دانشی را برای منابع انسانی فعال در حوزه تأمین مالی در دانشگاه‌ها لازم می‌داند. نیلسون^۳، برارد و آرمناکیان (۲۰۱۲) و پروپر^۴ (۲۰۰۹) نیز استخدام و آموزش منابع انسانی با هدف توسعه سازمان و به‌کارگیری افرادی برای یافتن منابع مالی جدید و افزایش درآمدها را لازم می‌دانند. همچنین بهزادی، رضوی و حسینی (۱۳۹۳) معتقدند استادان دانشگاه کارآفرین باید دانش و تجربه کارآفرینی بالایی داشته باشند به‌گونه‌ای که این دانش جنبه‌های گوناگون را در این زمینه شامل شود. فرهنگ حامی توسعه مالی مقوله بسیار مهم دیگری است که تأثیر آن بر عملکرد مالی یک سازمان در بلندمدت و به‌طور خاص توسعه مالی دانشگاه‌ها در برخی پژوهش‌ها مورد توجه واقع شده است. به‌عنوان مثال تسوما و موگامبی (۲۰۱۴) به عوامل فرهنگی در دانشگاه به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر درآمدزایی اشاره کرده‌اند. پروپر (۲۰۰۹) نیز به نقش فرهنگ و تأثیر آن بر ظرفیت دانشگاه‌ها برای اجرای برنامه‌های افزایش درآمد اشاره کرده است. کردنائیج و دیگران (۱۳۸۸) فرهنگ سازمانی کارآفرینانه را شرط لازم برای موفقیت دانشگاه کارآفرین معرفی کرده‌اند.

مدیریت و راهبری دانشگاه‌ها و تدوین برنامه راهبردی مرتبط با توسعه مالی، مقررات و رویه‌های داخلی در دانشگاه نیز زیرمؤلفه دیگری از ترتیبات نهادی است که توجه به آن از سوی مدیریت دانشگاه‌ها برای پشتیبانی از فعالیت‌های مختلف مربوط

1. Berry
2. Lindahl
3. Neilson, Brouard and Armenakyan
4. Proper

به توسعه مالی ضروری است. این موضوع نیز در پژوهش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. کشته‌گر، تشکریان جهرمی و حجت‌دوست (۱۳۹۴) اعمال مدیریت مناسب در سطح دانشگاه اعم از پشتیبانی مدیریت ارشد، مدیریت منابع مالی و انسانی و مدیریت حفاظت از دارایی‌های فکری را از جمله عوامل مؤثر بر فرایند تجاری‌سازی تحقیقات و بهره‌برداری از منافع مالی ناشی از آن معرفی کرده‌اند. دباغ و جواهریان (۱۳۹۵) بر ضرورت تدوین برنامه‌های راهبردی و تهیه نقشه راه بهبود بهره‌وری در دانشگاه‌ها تأکید کرده‌اند. نورشاهی (۱۳۸۷) نیز توانایی اخذ و دریافت منابع مالی جدید و تشویق نهادها و سازمان‌ها به حمایت مالی از دانشگاه و مهارت برقراری ارتباط با ذی‌نفعان بیرونی را از جمله معیارهای انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها معرفی کرده است. سُنْتَاگ، استاپل فوت و مورگانتی^۱ (۲۰۱۲) نیز تدوین برنامه‌های راهبردی مالی را برای توفیق دانشگاه‌ها در دستیابی به اهداف مالی خود ضروری می‌دانند.

ایجاد ساختارهای لازم و متناسب با اقتضائات و ضرورت‌های توسعه مالی دانشگاه نیز یکی دیگر از ابعاد نهادی است که در تحقیقات مرتبط به آن پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه بهزادی، رضوی و حسینی (۱۳۹۳) ساختار سازمانی منعطف را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه دانشگاه معرفی کرده‌اند. نوروزی و دیگران (۱۳۹۳) بیه بررسی ابعاد ساختاری مورد نیاز برای دانشگاه کارآفرین پرداخته‌اند. زیتلو، هانکین و سیدنر^۲ (۲۰۱۱) نیز بهبود ساختارهای سازمانی را به‌عنوان یکی از ارکان راهبردهای مالی در دانشگاه مورد تأکید قرار داده‌اند.

همچنین می‌توان به عوامل محیطی اشاره کرد که خارج از اراده و حوزه اختیارات دانشگاه قرار دارد، اما بر توسعه مالی دانشگاه تأثیر گذاشته و می‌تواند موجب تسهیل یا تضعیف توسعه مالی دانشگاه شود. به‌عنوان نمونه کشته‌گر، تشکریان جهرمی و حجت‌دوست (۱۳۹۴) در بررسی عوامل محیطی مؤثر بر تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی، به عوامل سیاسی و قانونی نظیر حمایت‌های دولت، قوانین حفاظت از دارایی‌های فکری و عدم موانع سیاسی

1. Sontag – Padilla, Staplefoote and Morganti
2. Zietlow, Hankkin and Seidner

در روابط با سایر کشورها اشاره می‌کنند. رضاییان، توکل کوثری و نوه‌ابراهیم (۱۳۹۵) در تحلیل چالش‌های دانشگاه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی، بر مشکلات محیطی به‌ویژه در حوزه حکمرانی آموزش عالی تأکید می‌کنند.

گفتنی است تعاریف مختلفی برای توسعه مالی^۱ ارائه شده است که براساس مبانی نظری و دلالت‌های سیاستی اقتصاد آموزش عالی، اقتصاد دانشگاه، مالیه آموزش عالی و مباحث مالی در سطح دانشگاه و نیز با توجه به مبانی تجربی، پیشینه تحقیق و ادبیات علمی در این زمینه، تعریف ذیل برای توسعه مالی دانشگاه ارائه می‌شود: توسعه مالی دانشگاه بیانگر وضعیتی است که دانشگاه می‌تواند در راستای دستیابی به اهداف و اجرای مأموریت‌های بلندمدت خود، به تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها، راهبردها و ایجاد نهادهایی اقدام کند که از طریق ظرفیت‌سازی^۲ و تقویت توانمندی‌های درونی، استفاده از فرصت‌های بیرونی، امکان تأمین منابع مالی متنوع، پایدار و بلندمدت، تخصیص بهینه و مناسب منابع و هزینه‌کرد کارا و صحیح منابع را فراهم آورد.

۲. الگوی مفهومی پژوهش

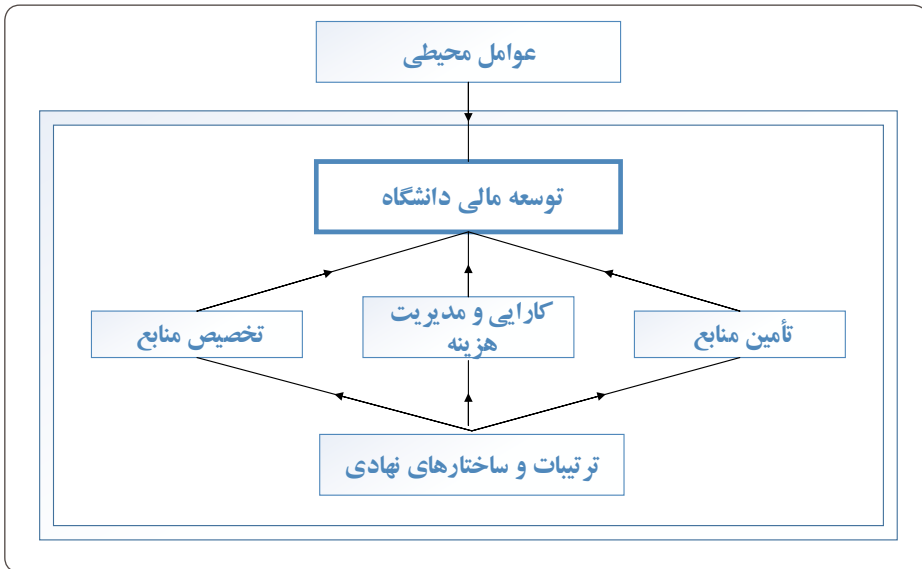
با توجه به پیشینه پژوهش و موضوعات مطرح شده در اقتصاد آموزش عالی به‌طور عام و مالیه آموزش عالی و اقتصاد دانشگاه به‌طور خاص و متناسب با تعریف ارائه شده برای توسعه مالی دانشگاه، الگوی مفهومی مورد نظر در این مقاله در شکل ۱ ارائه شده است. این الگو در مصاحبه با پانزده تن از خبرگان و صاحب‌نظران اقتصاد و مالیه دانشگاه مورد تأیید قرار گرفته و مبنای صورت‌بندی و تحلیل اسناد قرار می‌گیرد.

۱. برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر این تعاریف خودداری شده است. برای آشنایی با تعاریف ارائه شده در زمینه توسعه مالی می‌توان به این منابع مراجعه کرد: کمیجانی، عبادی و پوررستمی، ۱۳۸۷؛ کمیجانی، متوسلی و پوررستمی ۱۳۸۸؛ هونوهان، ۱۳۸۹؛

King and Levine, 1993; Levine, 2005; Huang, 2010; WEF, 2012; World Bank, 2015; Svirydzhenka, 2016.

2. Capacity-building

شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است و در آن از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌شود که به صورت منظم و عینی به منظور تعیین ویژگی‌های پیام‌ها یا اطلاعات به کار برده می‌شود. در این روش اطلاعات به طور منظم کدگذاری و به نحوی طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر بتواند آنها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند (دلور، ۱۳۸۹).

برای تحلیل محتوا سه مرحله باید طی شود: ۱. آماده‌سازی و سامان‌دهی (مرحله قبل از تحلیل شامل انتخاب محتوای مرتبط، بیان اهداف و بیان ملاک‌هایی برای تفسیر نهایی)، ۲. بررسی مواد و اطلاعات (انتخاب واحدها و مقوله‌ها)، ۳. پردازش داده‌ها (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰).

براین اساس چهارده سند فرادستی آموزش عالی که حاوی سیاست‌هایی برای توسعه مالی دانشگاه‌ها هستند، انتخاب شدند. ملاک انتخاب این اسناد؛ تصویبشان در مراجع

قانونی و سیاستگذاری و لازم‌الاجرا بودن آنها برای نظام آموزش عالی و دانشگاه‌هاست. به‌منظور تعیین ملاک‌های تفسیر نهایی، چارچوب کلی و مدل مفهومی پژوهش شامل پنج مؤلفه اصلی «تأمین منابع مالی»، «کارایی و مدیریت هزینه»، «تخصیص منابع»، «ترتیبات و ساختارهای نهادی» و «عوامل محیطی» تعیین شده که مبتنی بر بررسی اکتشافی ادبیات، پیشینه تحقیق و نظرهای خبرگان استنتاج شده است.

در مرحله دوم واحدهای تحلیل شامل گزاره‌های سیاستی که بخش‌هایی از احکام قانونی یا سیاست‌های ذکر شده در اسناد بوده‌اند، انتخاب شدند. سپس با توجه به الگوی مفهومی مورد نظر در این مقاله و چهار مؤلفه اصلی آن، مقوله‌بندی^۱ محتوا در چهار گروه اصلی انجام شد. در نهایت در مرحله سوم پردازش داده‌ها به صورت دستی انجام شده است و نویسندگان مقاله حاضر به بحث و تفسیر نتایج پرداخته‌اند.

جامعه آماری این مقاله در بخش مطالعه اسنادی، همه پژوهش‌های مرتبط با توسعه مالی دانشگاه‌ها بوده که با توجه به ماهیت مقاله، به صورت هدفمند انتخاب شده است. جامعه آماری در بخش تحلیل محتوا نیز تمام قوانین، مقررات و سیاست‌های ملی هستند که پس از تصویب قانون «اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» مصوب ۱۳۸۳ به تصویب رسیده‌اند، چرا که قانون مذکور به عنوان نقطه عطفی در این حوزه مطرح است و پس از آن قوانین و مقررات متعددی در زمینه آموزش عالی به تصویب رسیده است. نمونه پژوهش در این بخش عبارت است از قوانین و مصوبات فرادستی و لازم‌الاجرا که حداقل در یک مورد به مؤلفه‌های توسعه مالی دانشگاه‌ها اشاره کرده‌اند. با توجه به ذکر گزاره‌های سیاستی در زمینه توسعه مالی دانشگاه در چهارده سند بالادستی، این اسناد به صورت نمونه هدفمند در بخش تحلیل محتوا مشخص شدند که فهرست آنها به ترتیب زمان تصویب در جدول ۲ آورده شده است.

۱. مقوله‌بندی عبارت است از: طبقه‌بندی کردن عناصر تشکیل‌دهنده یک مجموعه به وسیله تمایز و سپس گروه‌بندی براساس شباهت ملاک‌های از قبل تعریف شده (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰).

جدول ۲. اسناد فرادستی مورد بررسی در زمینه توسعه مالی دانشگاه

ردیف	عنوان	مرجع تصویب	سال تصویب
۱	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۳
۲	سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۸۸
۳	نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۹
۴	سیاست‌های کلی اشتغال	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۰
۵	سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۱
۶	نقشه مهندسی فرهنگی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۲
۷	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۲
۸	سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۳
۹	قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)	مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۳
۱۰	قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور	مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۴
۱۱	سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۳۹۴
۱۲	سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۹-۱۳۹۵	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۱۳۹۴
۱۳	قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور	مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۵
۱۴	قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۵

مأخذ: همان.

گفتنی است در این مقاله صرفاً آن دسته از اسناد بالادستی که همچنان لازم‌الاجرا هستند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و از بررسی اسنادی همچون قوانین برنامه‌های توسعه قبلی و سیاست‌های کلی مرتبط با آنها که در حال حاضر منسوخ و از موضوعیت خارج شده‌اند، خودداری شده است.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

براساس تحلیل اسنادی انجام شده و چارچوب مفهومی کلی مورد نظر در این پژوهش،

محتوای اسناد ذیل پنج مقوله اصلی شامل تأمین منابع مالی، کارایی و مدیریت هزینه، تخصیص منابع، ترتیبات و ساختارهای نهادی و عوامل محیطی بررسی شده است. در جدول ۳ مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی توسعه مالی استنتاجی از اسناد فرادستی آموزش عالی در زمینه تأمین منابع مالی که شامل شانزده مورد است با ذکر محل مقوله‌ها در هریک از اسناد، استخراج شده است. برای اختصار، از ذکر عناوین اسناد فرادستی در این جدول خودداری و شماره ردیف‌های آورده شده در جدول ۳ نشان دهنده هریک از اسناد خواهد بود.

جدول ۳. مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی تأمین منابع مالی استنتاجی از اسناد فرادستی آموزش عالی

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱	تنوع بخشی و جذب منابع غیردولتی	تأسیس شعب خودگردان دانشگاه‌ها در مناطق آزاد تجاری - صنعتی یا خارج از کشور با اخذ شهریه	۱۳
۲		استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکت‌های مردمی متناسب با نیازها و ضرورت‌ها	۱
۳		افزایش سهم وقف و خیریه در پشتیبانی از مؤسسات و نهادهای علم و فناوری	۳
۴		گسترش نهاد وقف و تنوع بخشی آن و افزایش سهم آن در توسعه و پشتیبانی امور فرهنگی	۳
۵		افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقای سهم وقف و امور خیریه در این حوزه	۸
۶		تنوع بخشی و پویاسازی نظام تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	۲
۷	تعاملات مالی با ذی نفعان	تقویت ارتباط دانشگاه‌ها با بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱
۸		توسعه شبکه‌های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه‌ها، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه‌های نوآور داخلی و خارجی	۸
۹		مرتبط کردن بخش‌های علمی و پژوهشی با بخش‌های تولیدی کشور	۵
۱۰		برقراری جریان علمی و فنی بین نهادهای تحقیقاتی و بنگاه‌های اقتصادی و تجاری‌سازی علم و فناوری و تقویت تقاضا محوری	۲

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱۱	جذب منابع بین‌المللی	ارتباط تحقیقاتی، علمی و فنی دانشگاه‌ها با مراکز صنعتی و سازمان‌های مشابه خارجی	۱
۱۲		افزایش پذیرش دانشجویان خارجی	۳
۱۳		بورس تحصیلی، فرصت مطالعاتی و پژوهانه (کمک هزینه) برای افزایش همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها	۳
۱۴		همکاری دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های معتبر جهانی با اولویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی و پژوهش‌های مشترک	۳
۱۵		افزایش درآمد ارزی حاصل از آموزش	۲
۱۶		انجام پروژه‌های پژوهشی مشترک با دانشگاه‌های خارجی و ارائه مشوق برای جذب دانشجویان خارجی	۱۲

در جدول ۴ مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی توسعه مالی در زمینه کارایی و مدیریت هزینه ذکر شده است که شامل ۶ توصیه سیاستی است.

جدول ۴. مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی کارایی و مدیریت هزینه استنتاجی از اسناد فرادستی آموزش عالی

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱	ارتقای بهره‌وری	ارتقای بهره‌وری مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در چارچوب نظام تعلیم و تربیت اسلامی	۳
۲		مصرف بهینه منابع و ارتقای بهره‌وری	۸
۳		ارتقای بهره‌وری آموزشی	۲
۴		الزام هیئت‌های امنا به بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های در اختیار و عدم ایجاد تعهد مازاد بر منابع ابلاغی	۹
۵		اجتناب از اسراف و مدیریت بهینه بیت‌المال	۶
۶	شفاف‌سازی هزینه‌ها	شفاف‌سازی هزینه تمام شده تحصیلی در مؤسسات آموزش عالی و ارتقای کارآمدی آنها	۳

در جدول ۵ مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی توسعه مالی در زمینه تخصیص منابع مالی استخراج شده که تنها شامل سه مورد و ذیل دو مقوله فرعی است.

جدول ۵. مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی تخصیص منابع مالی استنتاجی از اسناد فرادستی آموزش عالی

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱	تخصیص مبتنی بر اولویت‌ها و نیازها	تخصیص منابع مؤسسات آموزشی و پژوهشی با تمرکززدایی و مأموریت‌گرایی در موضوعات مورد نیاز هر منطقه	۳
۲	تخصیص مبتنی بر عدالت	توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی	۸
۳		عدالت در تخصیص و توزیع منابع و دسترسی به فرصت‌ها و خدمات	۶

در جدول ۶ مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی توسعه مالی در زمینه ترتیبات و ساختارهای نهادی که از اسناد فرادستی آموزش عالی استنتاج و استخراج شده، آمده است. تعداد این گزاره‌های سیاستی در مجموع ۲۳ مورد است که با توجه به دسته‌بندی پیش‌گفته، برای معرفی توصیه‌های سیاستی، دسته‌بندی تفصیلی تری از مقوله‌های فرعی ارائه شده است.

جدول ۶. مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی ترتیبات و ساختارهای نهادی استنتاجی از اسناد فرادستی آموزش عالی

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱	مقررات و رویه‌ها	هزینه‌کرد اعتبارات دولتی براساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امنای دانشگاه و با مسئولیت آنها	۱۳
۲		افزایش استقلال دانشگاه‌ها در مدیریت امور اداری، منابع مالی، درآمدها و هزینه‌ها از طریق افزایش اختیارات و مسئولیت‌پذیری هیئت‌های امنا	۳
۳		ملاک بودن بودجه تفصیلی مورد تأیید هیئت امنا برای اعتبارات هزینه‌ای	۹
۴		الزام به محاسبه و پیش‌بینی بار مالی ناشی از مصوبه‌های هیئت امنا و عدم ایجاد تعهد زائد بر اعتبار مصوب	۹
۵		تدوین سازوکارهای حقوقی و تشویق فروش دستاوردها و انتفاع دانشگاه و محقق نظیر ایجاد شرکت دانش‌بنیان با مشارکت دانشگاه	۳
۶		اجازه به اعضای هیئت علمی برای تأسیس یا مشارکت در شرکت‌های خصوصی دانش‌بنیان	۱۳
۷		عدم شمول اعضای هیئت علمی در شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت به قانون منع مداخله	۹
۸		مجوز دانشگاه‌ها برای ایجاد و مشارکت در شرکت‌های دانش‌بنیان و عدم شمول نسبت به قانون منع مداخله	۹
۹		واگذاری مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزات ایجاد شده به دانشگاه‌ها	۱۴
۱۰		حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط	۸
۱۱		اصلاح و شفاف‌سازی نظام گزارش‌دهی مالی دانشگاه‌ها	۱۲

ردیف	مقوله‌ها	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱۲	ساختارسازی	حمایت از ایجاد مراکز خدمات پشتیبان ایده تا بازار و نهادهای واسط حقوقی، مالی، فنی و اداری در موضوعات اولویت دار علم و فناوری	۳
۱۳		ایجاد نهادهای انتقال فناوری، تعامل تحقیقات و صنعت مانند مراکز انتقال فناوری، لیسانس فناوری، تجاری سازی، ثبت پتنت (اختراع)، تعاونی	۲
۱۴	فرهنگ‌سازی	تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای	۷
۱۵		ترویج فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی	۵
۱۶		ترویج اخلاق و فرهنگ اسلامی کار، کار جمعی، کارآفرینی و تولید ثروت	۱۲
۱۷		ترویج فرهنگ وقف و خیریه در گسترش نهادهای علم و فناوری	۲
۱۸		گسترش فرهنگ وقف در آموزش عالی	۳
۱۹		توسعه و تقویت فرهنگ وقف و جلب حمایت و مشارکت خیرین	۱۲
۲۰		توسعه مهارت‌های تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و محققان	۳
۲۱	توسعه سرمایه انسانی	آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقای توان کارآفرینی	۴
۲۲	انسانی	جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها برای توأم کردن آموزش و مهارت	۴
۲۳	مدیریت و راهبری	بازتعریف مأموریت دانشگاه به آموزش، پژوهش و کارآفرینی	۲

اما در کنار مؤلفه‌های مطرح شده در اسناد فرادستی درخصوص سیاست‌ها و سازوکارهای مالی در واحدهای آموزش عالی، بخش قابل توجهی از گزاره‌های سیاستی ناظر به عوامل محیطی و پیرامونی بوده که در جدول ۷ به آنها اشاره شده است.

جدول ۷. مقوله‌های فرعی و گزاره‌های سیاستی ناظر به عوامل محیطی استنتاجی از

اسناد فرادستی آموزش عالی

کد اسناد فرادستی	گزاره‌های سیاستی	مقوله‌های سطح اول	مقوله‌های سطح دوم	ردیف
۱۴	حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضامحور مشروط به مشارکت کارفرما	حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضامحور	تأمین منابع مالی	۱
۳	افزایش سهم دولت در حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادین با تأکید بر بهره‌برداری از نتایج آنها			۲
۳	تسهیل سازوکارهای مالی توسعه پژوهش‌های تقاضامحور			۳
۳	حمایت معنوی، اعتباری و مالی از پژوهش‌های علوم انسانی و حمایت از تالیفات، رساله‌ها، پژوهش‌ها و سمینارهای علمی در این زمینه			۴
۳	حمایت از پایان‌نامه‌های تحصیلی در رشته‌های علوم انسانی و هنر برای رفع نیازهای کشور			۵
۲	کاربردی کردن و تجاری‌سازی محصولات آموزش عالی			۶
۵	تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن			۷
۱۱	توسعه و سامان‌دهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور و تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری			۸
۹	الزام دستگاه‌های دولتی به هزینه ۱ درصد از اعتبارات در امور پژوهشی و توسعه فناوری			۹
۱۴	مشوق‌های مالیاتی برای خیرین و واقفین			مشوق قانونی برای جذب منابع به دانشگاه‌ها
۱۰	معافیت مالیاتی برای همکاری پژوهشی صنایع با دانشگاه‌ها	۱۱		
۱۰	معافیت مالیاتی حقوق دولتی معادن در صورت همکاری پژوهشی بهره‌بردار با دانشگاه	۱۲		
۳	سامان‌دهی بودجه دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و الزام به تأمین منابع مورد نیاز پژوهش‌ها	۱۳		
۱۳	تسهیلات به صندوق رفاه دانشجویان برای پرداخت وام بلندمدت	۱۴		
۱۳	افزایش سرمایه صندوق‌های رفاه دانشجویان توسط دولت	آموزش عالی		۱۵
۳	سازوکارها و مشوق‌های مالی برای تقویت نقش بخش خصوصی در علم و فناوری	تقویت مشارکت		۱۶
۳	حمایت از مشارکت مردم و نهادهای عمومی و غیردولتی	مردمی		۱۷

ردیف	مقوله‌های سطح دوم	مقوله‌های سطح اول	گزاره‌های سیاستی	کد اسناد فرادستی
۱۸	تأمین بودجه دولتی دانشگاه‌ها		تعیین اعتبارات تخصیصی از منابع عمومی به دانشگاه‌ها به‌عنوان کمک	۹ و ۱
۱۹			توزیع منابع مربوط به سوانح رانندگی بین دانشگاه‌های علوم پزشکی بر مبنای عملکرد آنها	۹
۲۰			برنامه‌ریزی برای تدارک منابع مالی توسعه فناوری کشور	۱
۲۱			پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری	۱
۲۲			اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرایی بلندمدت سرمایه‌گذاری کلان آموزشی، پژوهشی و فناوری	۱
۲۳			سامان‌دهی، پیویاسازی و تسهیل نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها	۳
۲۴			توسعه نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش‌بنیان	۱۱
۲۵			گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت‌های عرصه علم و فناوری	۸
۲۶			هدفمندسازی حمایت مالی و سرمایه‌گذاری دولت در آموزش عالی در راستای افزایش کارآمدی و پاسخگویی	۳
۲۷			ایجاد معافیت عوارض شهرداری در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دانشگاه‌ها	۱۲
۲۸	جذب منابع بین‌المللی	حمایت از طرح‌های پژوهشی و فناوری بین‌المللی با سرمایه‌گذاری مشترک	۳	
۲۹	کارایی و مدیریت هزینه	ارتقای سطح شاخص‌های بهره‌وری در نظام علم، فناوری و نوآوری	۲	
۳۰		استقرار چرخه بهره‌وری در آموزش عالی	۲	
۳۱	تخصیص منابع	تخصیص مبتنی بر اولویت‌ها و نیازها	هدایت بودجه آموزشی و پژوهشی در جهت نیازها و مأموریت‌های ملی	۳
۳۲		پیشنهاد اولویت‌های تخصیص منابع در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۱	
۳۳		تخصیص مبتنی بر عدالت	توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی	۸

در جدول ۸ فراوانی گزاره‌های سیاستی ناظر به هر یک از مقوله‌های اصلی و فرعی

توسعه مالی دانشگاه و سهم هر یک از مقوله‌های اصلی و فرعی آورده شده است.

جدول ۸. فراوانی گزاره‌های سیاستی ناظر به مقوله‌های اصلی و فرعی توسعه مالی دانشگاه در اسناد فرادستی

فراوانی گزاره‌های سیاستی		مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	ردیف	
ذیل مقوله‌های اصلی	ذیل مقوله‌های فرعی				
۱۶	۶	تنوع بخشی و جذب منابع غیردولتی	تأمین منابع	۱	
	۴	تعاملات مالی با ذی نفعان		۲	
	۶	جذب منابع بین‌المللی		۳	
۶	۵	ارتقای بهره‌وری	کارایی و مدیریت هزینه	۴	
	۱	شفاف‌سازی هزینه‌ها		۵	
۳	۱	تخصیص مبتنی بر اولویت‌ها و نیازها	تخصیص منابع	۶	
	۲	تخصیص مبتنی بر عدالت		۷	
۲۳	۱۱	مقررات و رویه‌ها	ترتیبات و ساختارهای نهادی	۸	
	۲	ساختارسازی		۹	
	۳	توسعه سرمایه انسانی		۱۰	
	۶	فرهنگ‌سازی		۱۱	
	۱	مدیریت و راهبری		۱۲	
۲۹	۹	حمایت مالی از پژوهش‌های دانشگاهی تقاضامحور	تأمین منابع	۱۳	
	۴	مشوق قانونی برای جذب منابع به دانشگاه‌ها		۱۴	
	۲	حمایت مالی از تقاضای آموزش عالی		۱۵	
	۲	تقویت مشارکت مردمی		۱۶	
	۱۱	تجهیز بودجه دولتی دانشگاه‌ها		۱۷	
	۱	جذب منابع بین‌المللی		۱۸	
۲	۲	کارایی و مدیریت هزینه منابع	عوامل محیطی	۱۹	
۳	۲	تخصیص مبتنی بر اولویت‌ها و نیازها		تخصیص	۲۰
	۱	تخصیص مبتنی بر عدالت		منابع	۲۱
۸۲		مجموع			

همچنین وضعیت فراوانی گزاره‌های سیاستی در زمینه توسعه مالی دانشگاه‌ها معطوف به هریک از اسناد فرادستی، در جدول ۹ ذکر شده است که می‌تواند بیانگر میزان جامعیت و ترکیب محتوای هریک از این اسناد در این زمینه باشد.

جدول ۹. فراوانی گزاره‌های سیاستی در زمینه توسعه مالی دانشگاه معطوف به هریک از اسناد فرادستی

ردیف	کد اسناد فرادستی	گزاره‌های سیاستی					
		تأمین منابع مالی	کارایی و مدیریت هزینه	تخصیص منابع	ترتیبات و ساختارهای نهادی	عوامل محیطی	
۱	۱	۳	-	-	-	۴	۷
۲	۲	۳	۱	-	۳	۳	۱۰
۳	۳	۵	۲	۱	۵	۱۱	۲۴
۴	۴	-	-	-	۲	-	۲
۵	۵	۱	-	-	۱	۱	۳
۶	۶	-	۱	۱	۱	-	۳
۷	۷	-	-	-	۱	-	۱
۸	۸	۲	۱	۱	۱	۲	۷
۹	۹	-	۱	-	۴	۳	۸
۱۰	۱۰	-	-	-	-	۲	۲
۱۱	۱۱	-	-	-	-	۲	۲
۱۲	۱۲	۱	-	-	۲	۱	۴
۱۳	۱۳	۱	-	-	۲	۳	۶
۱۴	۱۴	-	-	-	۱	۲	۳
۱۵	-	۱۶	۶	۳	۲۳	۳۴	۸۲

مقوله‌های اصلی توسعه مالی دانشگاه‌ها از نظر فراوانی در اسناد فرادستی، به ترتیب عبارتند از: عوامل محیطی ناظر بر تأمین منابع مالی، ترتیبات و ساختارهای نهادی، تأمین منابع مالی، کارایی و کارایی و مدیریت هزینه، تخصیص منابع و عوامل محیطی در زمینه

تخصیص و کارایی و مدیریت هزینه منابع که شامل ۲۹، ۲۳، ۱۶، ۶، ۳، ۳، و ۲ گزاره سیاستی است. همان طور که مشخص است عمده توجه اسناد فرادستی (حدود ۵۵ درصد مجموع مؤلفه‌ها) در مباحث توسعه مالی آموزش عالی، به تأمین منابع اختصاص داشته است اعم از مؤلفه‌های درون دانشگاهی و مؤلفه‌های ناظر به عوامل محیطی. این درحالی است که با توجه به مشکلات ناشی از رکود اقتصادی و کاهش منابع مالی و بودجه‌های دولتی، لازم است در کنار سیاست‌های تأمین، سایر ابعاد توسعه مالی از جمله سیاست‌ها و روش‌های افزایش کارایی و مدیریت هزینه (که تنها ۱۰ درصد از کل گزاره‌ها را به خود اختصاص داده) نیز در آموزش عالی و دانشگاه‌ها با تأکید بیشتری دنبال شود.

بخش قابل توجهی از گزاره‌های سیاستی (۳۴ گزاره شامل حدود ۴۱ درصد از کل گزاره‌ها)، به عوامل محیطی پرداخته است که اگرچه بیانگر اهمیت این عوامل در توسعه یافتگی مالی دانشگاه‌هاست، اما به طور کلی نشان می‌دهد مؤلفه‌ها و وجوه درون دانشگاهی که به توسعه ظرفیت‌ها و توانمندسازی درونی دانشگاه‌ها کمک می‌کند بیش از پیش باید در اسناد فرادستی مورد توجه واقع شود.

همچنین میزان توجه اسناد فرادستی به سیاست‌های تخصیص منابع بسیار اندک بوده (حدود ۷ درصد) که می‌تواند تأثیر منفی بر اثربخشی برنامه‌های آموزش عالی داشته باشد. در مقوله ترتیبات و ساختارهای نهادی نیز میزان توجه اسناد فرادستی به مؤلفه‌های فرعی از وضعیت یکسانی برخوردار نیست و فراوانی مقولات فرعی بین ۶ تا ۱ در نوسان است. از منظر ترکیب و تنوع مقوله‌های فرعی، مقوله تأمین منابع در بخش عوامل محیطی و در بخش درون دانشگاهی، به ترتیب با ۶ و سه مقوله فرعی و مقوله ترتیبات و ساختارهای نهادی با پنج مقوله فرعی از تنوع موضوعی بیشتری بهره‌مند هستند که نشان می‌دهد در اسناد فرادستی به این موضوعات توجه دقیق‌تری شده و لازم است ابعاد مرتبط با سایر مقوله‌های اصلی نیز با تفصیل بیشتر مورد توجه واقع شود.

در میان مقوله‌های فرعی، در زمینه تأمین منابع، مقوله‌های «تنوع بخشی و جذب منابع غیردولتی» و «جذب منابع بین‌المللی»، ۶ مرتبه و «تعاملات مالی با ذی‌نفعان» چهار مرتبه در اسناد مورد اشاره قرار گرفته است. تأکید اسناد بر تنوع بخشی و جذب منابع

غیردولتی، بیانگر جهت‌گیری سیاست‌های ملی به توسعه سازوکارهای تأمین مالی، عدم اکتفای دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی و استقلال نسبی دانشگاه‌ها در بخش مالی از دولت است. تأکید چندین باره اسناد بر «جذب منابع مالی بین‌المللی» نیز به‌رغم پیچیدگی‌های زیاد و وجود رقبای جدی در حوزه بین‌الملل، بیانگر توجه سیاستگذاران آموزش عالی به این مقوله و ضرورت برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و تأمین زیرساخت‌های لازم در دانشگاه‌ها (به‌ویژه دانشگاه‌های برتر) در این باره است. چهار مرتبه تأکید بر تعاملات مالی با ذی‌نفعان نیز از تغییر نگرش در نظام آموزش عالی کشور و نحوه تعامل و ارتباط با ذی‌نفعان و تسهیم هزینه‌ها با ایشان حکایت دارد.

مقوله کارایی و نحوه کارایی و مدیریت هزینه در قالب دو مقوله فرعی «ارتقای بهره‌وری» و «شفاف‌سازی هزینه‌ها» به‌ترتیب با پنج و یک مرتبه تکرار در اسناد مورد تأکید قرار گرفته است. باید گفت به‌رغم اهمیت موضوع به‌ویژه در شرایط تحریم و رکود اقتصادی، در هیچ‌کدام از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به این مقوله پرداخته نشده است. همچنین در گزاره‌های سیاستی ذکر شده در این بخش، به‌طور مشخص به انواع سازوکارها و روش‌های مدیریت هزینه (نظیر برون‌سپاری و ...) اشاره نشده است.

ذیل مقوله تخصیص منابع، دو مقوله فرعی «تخصیص مبتنی بر عدالت» و «تخصیص مبتنی بر اولویت‌ها و نیازها» به‌ترتیب دو و یک مرتبه مورد توجه سیاستگذاران آموزش عالی قرار داشته است. در مقوله فرعی اول، بر تخصیص و توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های آموزش عالی تأکید شده است و در مقوله فرعی دوم، تخصیص منابع آموزش عالی مبتنی بر مأموریت‌ها و نیازهای ملی و منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. در این زمینه نیز در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مطلبی ذکر نشده است.

در بخش «ترتیبات و ساختارهای نهادی»، در مجموع ۲۳ مقوله فرعی مورد تأکید سیاستگذاران قرار گرفته است. به «مقررات و رویه‌ها» به‌عنوان یک مقوله فرعی، یازده مرتبه پرداخته شده است و همان‌طور که از ماهیت این بخش انتظار می‌رود، نیمی از آنها توسط مجلس شورای اسلامی به‌عنوان قوانین موضوعه دائمی تصویب شده است. استقلال اداری - مالی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک قاعده اساسی و تبیین اختیارات دانشگاه، اجازه

به دانشگاه‌ها برای تأسیس و مشارکت در شرکت‌های دانشگاهی و دانش‌بنیان و قواعد مالکیت فکری و اجازه واگذاری دارایی‌های فکری ایجاد شده توسط دانشگاه‌ها در همین زمینه در اسناد فرادستی مورد تأکید قرار گرفته است. می‌توان گفت همه قواعد و رویه‌های مورد تأکید در این بخش، در واقع در راستای استقلال دانشگاه‌ها به‌عنوان رویکردی پایه‌ای قرار دارد.

«ساختارسازی» و ایجاد ساختارهای متناسب با اقتضات توسعه مالی دانشگاه‌ها نیز به‌عنوان یک مقوله فرعی، دو مرتبه و در قالب ایجاد مراکز خدمات تجاری‌سازی و نهادهای واسط و پشتیبان فرایند تجاری‌سازی مورد توجه سیاستگذاران قرار داشته است، اما به‌رغم اهمیت موضوع ساختارسازی، دو سند فرادستی مورد نظر، از نظر زمانی از اسناد مقدم محسوب می‌شوند و در اسناد و قوانین مصوب سال‌های اخیر به موضوع ساختارسازی متناسب با اهداف توسعه مالی پرداخته نشده است.

«توسعه سرمایه انسانی» نیز به‌عنوان یک مقوله فرعی دیگر، در قالب «آموزش و مهارت‌افزایی منابع انسانی» سه مرتبه مورد تأکید اسناد فرادستی قرار داشته که دو مورد آن در سند سیاست‌های کلی اشتغال بوده است و نشان‌دهنده تأثیر این موضوع بر ایجاد اشتغال پایدار است.

همچنین ۶ مرتبه به مقوله «فرهنگ‌سازی» در اسناد فرادستی اشاره شده که به‌طور خاص شامل سه مرتبه «فرهنگ‌سازی در دانشگاه» و سه مرتبه «ترویج فرهنگ وقف» است. از نظر پراکندگی نیز هرکدام از این ۶ مورد در یکی از اسناد فرادستی ذکر شده است که بیانگر توجه نسبی اسناد مختلف به ابعاد فرهنگی در زمینه توسعه مالی است.

در نهایت در زمینه مقوله «مدیریت و راهبری»، تنها یک‌بار درباره مقوله فرعی «بازتعریف مأموریت دانشگاه» در اسناد به بیان یک گزاره سیاستی پرداخته شده است. در این زمینه نیز موضوعات مهمی نظیر نقش هیئت امنا و مدیریت واحدهای آموزش عالی، برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌ها و ... مورد توجه واقع نشده است.

آخرین مقوله اصلی، عوامل محیطی است که سهم بالایی در مجموع مؤلفه‌ها به‌خود اختصاص داده و در سه بخش تأمین، کارایی و هزینه‌کرد و تخصیص منابع آورده شده

است. در بخش تأمین منابع، ۲۸ مؤلفه ذکر شده است که بیشترین حجم از مؤلفه‌ها را در یک گروه معنایی نشان می‌دهد. «تجهیز بودجه دولتی دانشگاه‌ها» با یازده مرتبه تکرار، بیشترین فراوانی را در این زمینه داشته است که نشان می‌دهد از دیدگاه اسناد فرادستی، تداوم تأمین منابع و بودجه‌های دولتی همچنان به‌عنوان یکی از اولویت‌های آموزش عالی مطرح است. در مرتبه بعد «حمایت مالی از پژوهش‌های دانشگاهی تقاضامحور» ۹ بار مورد تأکید اسناد واقع شده که بیانگر توجه به رویکرد دانشگاه کارآفرین و پژوهش‌های کاربردی در مؤسسات آموزش عالی است. «مشوق‌های قانونی برای جذب منابع به دانشگاه‌ها» نیز چهار مرتبه مورد تأکید قرار گرفته است که سه مورد آن (که همگی در دو سال اخیر به تصویب رسیده‌اند) به معافیت‌های مالیاتی تشویقی برای خیرین و واقفان و صنایع اشاره دارد و نشان می‌دهد در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای از سوی قانونگذاران به طراحی سازوکارهای اقتصادی و ایجاد محرک‌های قانونی برای جذب منابع مالی به مؤسسات آموزش عالی انجام شده است. به همین ترتیب مقوله‌های «حمایت مالی از تقاضای آموزش عالی» که سهولت بیشتر در تأمین منابع را به دنبال دارد و «تقویت مشارکت مردمی» هرکدام با دو بار تکرار در مرتبه فراوانی بعد قرار دارند. جذب منابع بین‌المللی نیز یک بار از منظر عوامل محیطی مورد اشاره قرار داشته است.

اما از نظر فراوانی گزاره‌های سیاستی در هریک از چهارده سند مورد بررسی، نقشه جامع علمی کشور با ۲۴ مورد بیشترین گزاره‌ها را در خود جای داده است. در مرحله بعدی سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور با ۱۰ گزاره، قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) با هشت گزاره، دو سند قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سیاست‌های کلی علم و فناوری با هفت گزاره، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور با ۶ گزاره و سایر اسناد نیز با تعداد کمتر گزاره‌های سیاستی قرار دارند. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز با یک گزاره در انتهای این فهرست قرار دارد. از نظر جامعیت موضوعات و میزان تنوع سیاست‌ها، در میان اسناد بررسی شده تنها دو سند نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری) در هریک از پنج مقوله اصلی توسعه مالی دانشگاه‌ها به طرح

سیاست‌های مصوب پرداخته‌اند و از این دیدگاه دارای جامعیت بیشتری هستند. در سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور نیز به چهار مقوله اصلی پرداخته شده است. به این ترتیب می‌توان مدعی شد الگوی جامع و منسجمی در اسناد مختلف از نظر میزان توجه به ابعاد پنج‌گانه توسعه مالی دانشگاه و ترکیب مؤلفه‌های آن قابل مشاهده نیست. از منظر میزان توجه به هر کدام از مقوله‌های اصلی، بیشترین فراوانی و تأکید در میان اسناد در زمینه‌های تأمین منابع، کارایی و کارایی و مدیریت هزینه، ترتیبات و ساختارهای نهادی، و عوامل محیطی در نقشه جامع علمی یافت می‌شود که به ترتیب شامل پنج، دو، پنج و یازده مورد می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسائل، چالش‌ها و فرصت‌های دانشگاه‌ها در زمینه مالی، از تنوع و پیچیدگی زیادی برخوردار شده است. از این رو ضرورت دارد متناسب با وجوه متعدد موضوع و پیچیدگی‌های شرایط جدید، الگوهای جدید و جامعی برای توسعه دانشگاه‌ها در زمینه مالی ارائه شود. بر همین اساس در این مقاله مطابق شکل ۱، الگویی برای توسعه مالی دانشگاه‌ها پیشنهاد شده است که می‌تواند سیاست‌گذاران و مدیران دانشگاهی را در دستیابی به نگرشی جامع در این زمینه یاری کند و مبنایی برای تجزیه و تحلیل قوانین و سیاست‌های این حوزه فراهم کند. از سوی دیگر به‌رغم آنکه در سال‌های اخیر قوانین متنوعی در زمینه آموزش عالی تصویب و ابلاغ شده، اما تاکنون از منظر مالی به تحلیل آنها پرداخته نشده است که در این مقاله تلاش شده با استفاده از الگوی معرفی شده، این خلأ مطالعاتی برطرف شود. از نظر تنوع گزاره‌های سیاستی و به‌ویژه جامعیت آنها، در میان اسناد فرادستی آموزش عالی، فقط دو سند به هر پنج مقوله اصلی توسعه مالی دانشگاه اشاره کرده‌اند که اگر جامعیت و ترکیب سیاست‌ها از نظر پوشش مقوله‌های فرعی را نیز مورد توجه قرار دهیم، هیچ‌یک از اسناد از جامعیت کافی برخوردار نیست. علاوه بر آن اساساً به برخی از مفاهیم و سیاست‌هایی که در پیشینه تحقیق در زمینه توسعه مالی دانشگاه مورد تأکید قرار گرفته در اسناد فرادستی هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است، نظیر سیاست‌های بازاریابی در دانشگاه،

مدیریت هزینه‌ها از طریق برون‌سپاری برخی خدمات، تخصیص منابع براساس عملکردها و ستانده‌های واحدهای آموزش عالی، تخصیص منابع مبتنی بر افزایش انگیزه و رقابت در واحدهای آموزش عالی و تدوین سیاست‌های داخلی توسعه مالی در برنامه‌های راهبردی درون دانشگاهی؛ ضمن آنکه کارکردهای مختلف هریک از این اسناد و مسیرهای متفاوتی طی شده در هرکدام از مراجع تصویب، نشان‌دهنده نبود رویکردی جامع و منسجم در زمینه توسعه مالی دانشگاه در اسناد فرادستی آموزش عالی است. به این ترتیب اگرچه در سال‌های اخیر تلاش‌های قابل‌تقدیری برای تدوین اسناد فرادستی و قوانین مورد نیاز در حوزه آموزش عالی مانند مباحث مالی دانشگاه انجام شده، اما مجموعه اسناد و قوانین موجود از منظر توسعه مالی دانشگاه، فاقد جامعیت و کفایت لازم هستند و مؤسسات آموزش عالی نیازمند راهبردهای فرادستی جدید برای کمک به تحقق توسعه‌یافتگی مالی هستند.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود با توجه به مفهوم و ابعاد توسعه مالی دانشگاه، تدوین یک سند فرادستی در زمینه توسعه مالی مؤسسات آموزش عالی، با لحاظ جامعیت و اقتضائات جدید آموزش عالی (نظیر تغییر الگوی تقاضا، روندهای بین‌المللی و...) و با تأکید بر مطالعات تخصصی و خرد جمعی در فرایند تدوین، در دستور کار قرار بگیرد. همچنین ضروری است در بازنویسی برخی اسناد فرادستی، تأکید بیشتری بر سیاست‌ها و مؤلفه‌های مختلف و به‌ویژه مقوله‌های مغفول توسعه مالی دانشگاه انجام شود.

درخصوص ارائه پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی، از آنجاکه در این مقاله صرفاً محتوای اسناد فرادستی مرتبط با آموزش عالی بررسی شده است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌هایی جداگانه، میزان تحقق و عمل به سیاست‌های ذکر شده و چگونگی و کیفیت پیاده‌سازی این مصوبات در آموزش عالی و دانشگاه‌ها نیز مطالعه شود. ازسوی دیگر با توجه به اینکه در بسیاری از کشورها اسناد بالادستی در زمینه آموزش عالی تهیه شده است، پیشنهاد می‌شود در یک مطالعه تطبیقی، محتوای این اسناد از منظر توسعه مالی با اسناد فرادستی آموزش عالی در کشورمان، مقایسه و بررسی شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود میزان تطابق برنامه‌های دانشگاه‌ها (به‌ویژه دانشگاه‌های برتر) در زمینه توسعه مالی، با سیاست‌های توصیه شده در اسناد فرادستی مورد بررسی قرار گیرند.

منابع و مآخذ

۱. آراسته، حمیدرضا و سعید رضایی (۱۳۹۳). «بازاریابی در آموزش عالی: شناسایی معیارها و منابع اطلاعاتی در انتخاب دانشگاه»، *مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، ش ۵.
۲. ارباب شیرانی، بهروز و حسن خاکباز (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه فناوری در برنامه‌های توسعه‌ای کشور»، *رشد فناوری*، دوره ۶، ش ۲۳.
۳. انتظاری، یعقوب و معصومه قارون (۱۳۹۴). «عقلانیت و عملکرد دولت در تأمین مالی آموزش عالی ایران»، *نامه آموزش عالی*، دوره ۸، ش ۲۹.
۴. بهزادی، نازنین، سیدمصطفی رضوی و سیدرسول حسینی (۱۳۹۳). «طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی»، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۷، ش ۴، شماره پیاپی ۲۶.
۵. بهرامی، ابوالفضل و محمدحسن ملکی (۱۳۹۴). «انتخاب مؤسسه آموزشی مناسب به منظور برون سپاری آموزش‌های سازمانی (مطالعه موردی: دانشگاه قم)»، *دوفصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، دوره ۴، ش ۱۰.
۶. پورعزت، علی اصغر، آرین قلی‌پور و سمیرا ندیرخانلو (۱۳۸۹). «تبیین موانع کارآفرینی دانشگاهی و تجاری سازی دانش در دانشگاه تهران»، *سیاست علم و فناوری*، دوره ۲، ش ۴.
۷. توفیق، فیروز (۱۳۸۶). *برنامه ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن*، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۸. تسلیمی، محمدسعید (۱۳۸۳). «توصیف و تحلیل روند آموزش عالی طی برنامه اول دوم و سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، تهران، هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۹. دانایی فرد، حسن (۱۳۸۳). «اقتصاد دانش محور و حفظ تمامیت نهادی دانشگاه»، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۰، ش ۳۳.
۱۰. داوری، احمد، احمد خدادادی و یوسف زراعتکیش (۱۳۹۵). «بانمایندگان مردم در مجلس دهم: آشنایی با بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۸۷۱.
۱۱. دباغ، رحیم و لیلا جواهریان (۱۳۹۵). «بهره‌وری واحدهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های جامع دولتی ایران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۲، ش ۲.
۱۲. دباغ، رحیم و محمدرضا صالحی (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر کارایی دانشگاه‌های همگن دولتی کشور»، *آموزش عالی ایران*، ش ۶.

تحلیل و ارزیابی سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه براساس اسناد فرادستی آموزش عالی _____ ۳۵

۱۳. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۲). نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱۴. دلاور، علی (۱۳۸۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.

۱۵. ذاکر صالحی، غلامرضا و امین ذاکر صالحی (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور و پیشنهاد الگوی ارزیابی آن»، سیاست علم و فناوری، دوره ۲، ش ۲.

۱۶. ذاکر صالحی، غلامرضا و مائده صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۱). «ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران»، آموزش عالی ایران، ش ۱۵.

۱۷. رضائیان، مجید، محمدعلی توکل کوثری و عبدالرحیم نوه‌ابراهیم (۱۳۹۵). «تحلیل چالش‌های فراروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی ایران»، آموزش عالی ایران، ۸ (۱).

۱۸. زارع بنادکوکي، محمدرضا، محمدعلی وحدت‌زاد، محمد صالح اولیاء و محمدمهدی لطفی (۱۳۹۵). «رتبه‌بندی دانشگاه‌های ایران براساس برون‌دادهای علمی موضوعات مهندسی»، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۱۸، ش ۷۲.

۱۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۴). سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۵-۱۳۹۹، تهران، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.

۲۰. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه.

۲۱. سوزنچی‌کاشانی، ابراهیم (۱۳۹۰). «اقتصاد دانش‌محور: رویکردها، مبانی و دلالت‌ها»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۱، ش ۱.

۲۲. سهیلی‌اصفهانی، مائده و محمد علیمرادی (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش هزینه‌های دانشگاه آزاد اسلامی از دیدگاه کارکنان واحد اصفهان (خوارسگان)»، فصلنامه حسابداری مالی، ش ۲۵.

۲۳. سیاری، علی‌اکبر (۱۳۷۴). «بازنگری بر تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه دوم توسعه»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۹.

۲۴. سینی‌ساز شهشهانی، حمید (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل محتوای قوانین جامع و معتبر بخش کشاورزی»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۳۵۷.

۲۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲۶. — (۱۳۹۲). نقشه جامع علمی کشور، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۷. عزتی، میترا و ابوالقاسم نادری (۱۳۸۸). «تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۵۲.
۲۸. عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۸). «تأمین مالی آموزش عالی: جایگاه دولت و بخش خصوصی، رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی».
۲۹. فتح‌اللهی، احمد، محمد یمنی دوزی سرخابی، زهرا صباغیان، مقصود فراستخواه و محمد قاضی طباطبایی (۱۳۹۳). «تحلیل محتوایی برنامه‌های پنج‌گانه توسعه ایران با توجه به مقوله‌های الگوهای حکمرانی آموزش عالی»، آموزش عالی ایران، ش ۲۴.
۳۰. — (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی»، سیاست علم و فناوری، دوره ۷، ش ۱.
۳۱. کاظمی، سیده فاطمه و سهیلا هاشمی (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای اسناد فرادستی آموزش عالی براساس میزان توجه به مقوله خلاقیت و نوآوری»، کنگره ملی آموزش عالی ایران.
۳۲. کردنائیج، اسداله، سیدمحمد مقیمی، سوسن فنانی و حمیدرضا یزدانی (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین عناصر ساختار سازمانی و فرهنگ کارآفرینانه در دانشگاه تهران»، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱، ش ۳.
۳۳. کشته‌گر، عبدالعلی، علیرضا تشکریان جهرمی و سجاد حجت‌دوست (۱۳۹۴). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی، مورد مطالعه: مؤسسات آموزش عالی زاهدان»، نامه آموزش عالی، دوره ۸، ش ۳۱.
۳۴. — (۱۳۸۷). «آزادسازی مالی و نقش آن در توسعه مالی با توجه به توسعه نهادی و قانونی مقایسه کشورهای کمتر توسعه یافته و نوظهور»، نامه مفید، دوره ۴، ش ۶۹.
۳۵. کمیجانی، اکبر، محمود متوسلی و ناهید پوررستمی (۱۳۸۸). «چارچوب نظری تبیین عوامل مؤثر بر توسعه مالی (با تأکید بر مدل ویلیامسون)»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۵۰.
۳۶. متوسلی، محمود (۱۳۹۲). توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۷. محبوب عشرت‌آبادی، حسن (۱۳۹۴). «تدوین الگوی تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مالی در دانشگاه تهران»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

تحلیل و ارزیابی سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه براساس اسناد فرادستی آموزش عالی _____ ۳۷

۳۸. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۵). *قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶)*، تهران، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
۳۹. مهدی، رضا (۱۳۹۳). «جایگاه و موقعیت آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور»، *مهندسی فرهنگی*، ش ۸۲.
۴۰. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۰). «توان مالی دولت و دیگر راه‌های تأمین مالی آموزش عالی»، گزارش شماره ۲۳ طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۴۱. _____ (۱۳۸۳). *اقتصاد آموزش*، تهران، نشر بسطرون.
۴۲. _____ (۱۳۸۸). *مالیه آموزش*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. _____ (۱۳۹۰). «تحلیل رابطه بین منابع مالی و عملکرد آموزشی مناطق آموزش و پرورش شهر تهران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۶، ش ۱۱۲.
۴۴. نورشاهی، نسرين (۱۳۸۷). «شایستگی‌های لازم برای ریاست دانشگاه و میزان اهمیت آنها از نظر صاحب‌نظران آموزش عالی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۴۸.
۴۵. نوروززاده، رضا، کوروش فتحی و اجارگاه و امیرحسین کیدوری (۱۳۸۸). «تحلیل محتوایی اسناد فرادستی و معین به منظور استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعه پنجم بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۵، ش ۳ (۵۳).
۴۶. نوروززاده، رضا، حمید شفیع‌زاده و شادی روحانی (۱۳۹۲). «ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۶۶.
۴۷. نوروزی، خلیل، مصباح‌الهدی باقری‌کنی، حمیدرضا محمدی، رضا پاینده و محمد نوروزی (۱۳۹۳). «استخراج ابعاد و شبکه‌بندی مؤلفه‌های ساختاری دانشگاه کارآفرین: رویکردی میان‌رشته‌ای»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ش ۸.
۴۸. نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۱). «کسری بودجه و هزینه اتلاف در آموزش عالی دولتی؛ مطالعه موردی: ارزیابی درونی دانشگاه علوم پایه دامغان»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۸، ش ۴.
۴۹. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸). *سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور*، تهران، انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۵۰. هاشم‌نیا، شهرام، مصطفی عمادزاده، سعید صمدی و پرویز ساکنی (۱۳۸۸). «روش‌های تجاری‌سازی در آموزش عالی و چالش‌های آن»، *آموزش عالی ایران*، دوره ۲، ش ۲ (پیاپی ۶).
۵۱. هونوهان، پاتریک (۱۳۸۹). «توسعه مالی، رشد و فقر: پیوندها چقدر نزدیکند؟»، چارلز گودهارت (گردآورنده)، *توسعه مالی و رشد اقتصادی: تبیین پیوندها*، ترجمه: ناهید پوررستمی و محمود مشهدی‌احمد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
52. Assaf, S., M. A. Hassanain, A. M. Al-Hammad and A. Al-Nehmi (2011). "Factors Affecting Outsourcing Decisions of Maintenance Services in Saudi Arabian Universities", *Property Management*, 29(2).
53. Berry, D. (2010). *Gaining Funding for Research, A Guide for Academics and Institutions*, McGraw-Hill Education (UK).
54. Drezner, N. D. and F. Huehls (2014). *Fundraising and Institutional Advancement: Theory, Practice and New Paradigms*, Routledge.
55. Estermann, T. and E. B. Pruvot (2011). *Financially Sustainable Universities II- European Universities Diversifying Income Streams*, European University Association.
56. Fox, James N. (1989). "School Finance and Economic of Education an Essay Review of Major Work", *Educational Evaluation and Policy Analysis*, Vol. 11, No. 1.
57. Huang, Y. (2010). *Determinants of Financial Development*, Palgrave Macmillan.
58. King, R. G. and R. Levine (1993). "Finance and Growth: Schumpeter Might be Right", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 108, No. 3.
59. Kretovics, M. and Michael (2005). *Financing Higher Education in a Global Market*, Algora Publishing.
60. Levine, R. (2005). Finance and Growth: Theory and Evidence, Handbook of Economic Growth, in: Philippe Aghion and Steven Durlauf (eds.), Handbook of Economic Growth, Edition. 1, Vol. 1, Chapter. 12, Elsevier.

61. Lindahl, W. E. (2010). *Principles of Fundraising: Theory and Practice*, London, Jones and Bartlett Publisher.
62. Neilson, L., F. Brouard and A. Armenakyan (2012). *Fundraising Methods: Past, Present, Future*, Sprott Centre for Social Enterprises.
63. Proper, E. (2009). "Bringing Educational Fundraising Back to Great Britain: A Comparison with The United States", *Journal of Higher Education Policy and Management*, 31(2).
64. Smart, J. C. (Eds.). (2003). *Higher Education: Handbook of Theory and Research*, The Netherlands.
65. Sontag-Padilla, L., B. L. Staplefoote and K. Gonzalez Morganti (2012). "Financial Sustainability for Nonprofit Organizations: A Review of the Literature", RAND Publications, Available at: www.rand.org/pubs/research_reports/RR121.html.
66. Strand Ron (2016). "Fundraising or Fund Development - What's the Difference?" Available at www.experience.com.
67. Svirydenka, K. (2016). *Introducing a New Broad-based Index of Financial Development*, IMF Working Paper.
68. Tilak, J. B. (1991). "The Privatization of Higher Education", *Prospects*, 21 (2).
69. Tsuma, A. N. and F. Mugambi (2014). "Factors Influencing Performance of Income Generating Units in Public Universities", *European Journal of Business and Management*, 6(10).
70. WEF (2012). "The Financial Development Report 2012", World Economic Forum.
71. World Bank (2015). *Global Financial Development Report 2015: Long-term Finance*, Washington, D.C.
72. Zietlow, J., Hankin and A. G. Seidner (2011). *Financial Management for Nonprofit Organizations: Policies and Practices*, New Jersey, John Wiley and Sons.

Archive of SID